

کوردستان

ارگان کپسه مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۰۱-۷ یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ ، ۳۱ می ۱۴۰۱۷ ، ۵۰۰ تومان

جوابی کوتاه برای آکادمیست‌هایی که به بیراهه رفته‌اند

ص ۵

محمدصادیق کبودوند
از زندان آزاد شد

ص ۳

حزب دمکرات:
انتخابات هیچ تغییری در
سیستم رژیم ایران ایجاد نمی‌کند

ص ۲



قاسملوایسم و تحلیلی بر
تاریخ معاصر کورد

۷



کورد می‌تواند
به عاملی تعیین کننده
در معادلات خاورومیانة بدل شود

۶



در مصاف با
روشنگری سیاسی

۴



اسناد فساد مالی
جناح به اصطلاح اصلاح طلب
نیز افشا شد

۲

سخن

ژست سیاسی
و مبارزاتی

کریم پرویزی

مبارزه و موضع گرفتن علیه سیستمی تمامیت‌خواه و حيله‌گر همچون جمهوری اسلامی ایران که مالا مال است از حقه و دروغ و نیروهای ضدبشری‌ست تا از این طریق بتواند اراده‌ی انقلابی مبارزین را به بیراه بکشاند یا به زانو درآورد، مبارزه‌ای سخت و دشواری‌ست. مبارزه‌ای که اگر چه از نظر فیزیکی و محدود بودن امکانات مادی‌اش، سخت و دشوار می‌نمایاند اما از لحاظ فکر و باور و اعتقاد چندین برابر آن مشکل‌تر و مملو از موانع، مبارزه‌ای پر از فراز و نشیب، که مبارزین آن باید مستمرا آگاه بر توطئه‌ها و فریب‌های رژیم باشند. قیام علیه سیستمی که تمام امکانات سیاسی و نظامی کشوری را قبضه و از هیچ جنایتی علیه دشمنان خود ترسی ندارد، مبارزه‌ای‌ست سنگین و دشوار. اما از این دشوارتر زمانی‌ست که این رژیم همه امکانات فکری و تبلیغاتی‌اش را بکار گیرد تا سلطه‌ی خود را بر حوزه‌های نظامی و قدرت چنان نشان دهد که مردمان تحت حاکمیت‌اش بقبولاند که سیستم او، سیستمی‌ست که حتا بر فکر و ذهن انسان‌ها نیز مسلط است و جامعه را به زانو درآورده و نتیجتا قدرتش همیشگی و ابدی‌ست. این نوع از قدرت و سیستم مستبد، تلاش می‌کند که افراد و گروه‌های مبارز را دچار ناامیدی کرده و در اعماق ذهن‌شان آنچنان تسلیم رژیم شوند که باور کنند که جز بازی کردن در چارچوب معیارهای رژیم ولایت فقیه هیچ فرصت دیگری برای فعالیت سیاسی و قیام وجود ندارد. همانگونه که در هندوستان تحت سیطره‌ی بریتانیا، مردم را به این قناعت رسانده بودند که تنها در در زیر سایه‌ی اقتدار بریتانیا و تداوم حکومت استعماری آن می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند یا در دیکتاتوری شوروی

ادامه در صفحه‌ی ۲

نمایش تمام شد

اما بحران‌ها

همچنان ادامه دارند



آمده است، مردم کردستان بدون توجه به انتخابات برای گشت و گزار به دامن طبیعت رفته بودند و به گزارش یکی از شاهدان شلوغی جاده‌های خارج از شهر بی‌سابقه بوده و حتا در شرایط عادی نیز چنین وضعیتی دیده نشده است. این امر نیز بنابر فراخوان احزاب کردستان مبنی بر تحریم انتخابات و فعالیت گسترده فعالین مدنی-سیاسی شکل گرفت، که پیشنهاد کرده بودند در چنین روزی مردم به دامن طبیعت رفته و شهر را ترک کنند. سند دیگری مبنی بر عدم صدقیت گزارش نهایی وزارت کشور رژیم در باب میزان مشارکت مردم در نمایش انتخابات این است که خبرگزاری حکومتی تسنیم، غروب روز جمعه گزارش داد که ۲۰ میلیون نفر از مجموع ۵۷ میلیون نفر رای داده‌اند، اما تنها بعد از گذشت چند ساعت گویی معجزه‌ای روی داده و این تعداد به ۴۰ میلیون نفر رسید. هرچند که آمارهای رژیم به مانند اعلام نتایج نهایی انتخابات موثق و معتبر نیست، اما با این همه بعد از پایان نمایش ۲۹ اردیبهشت و اعلام آمار رسمی

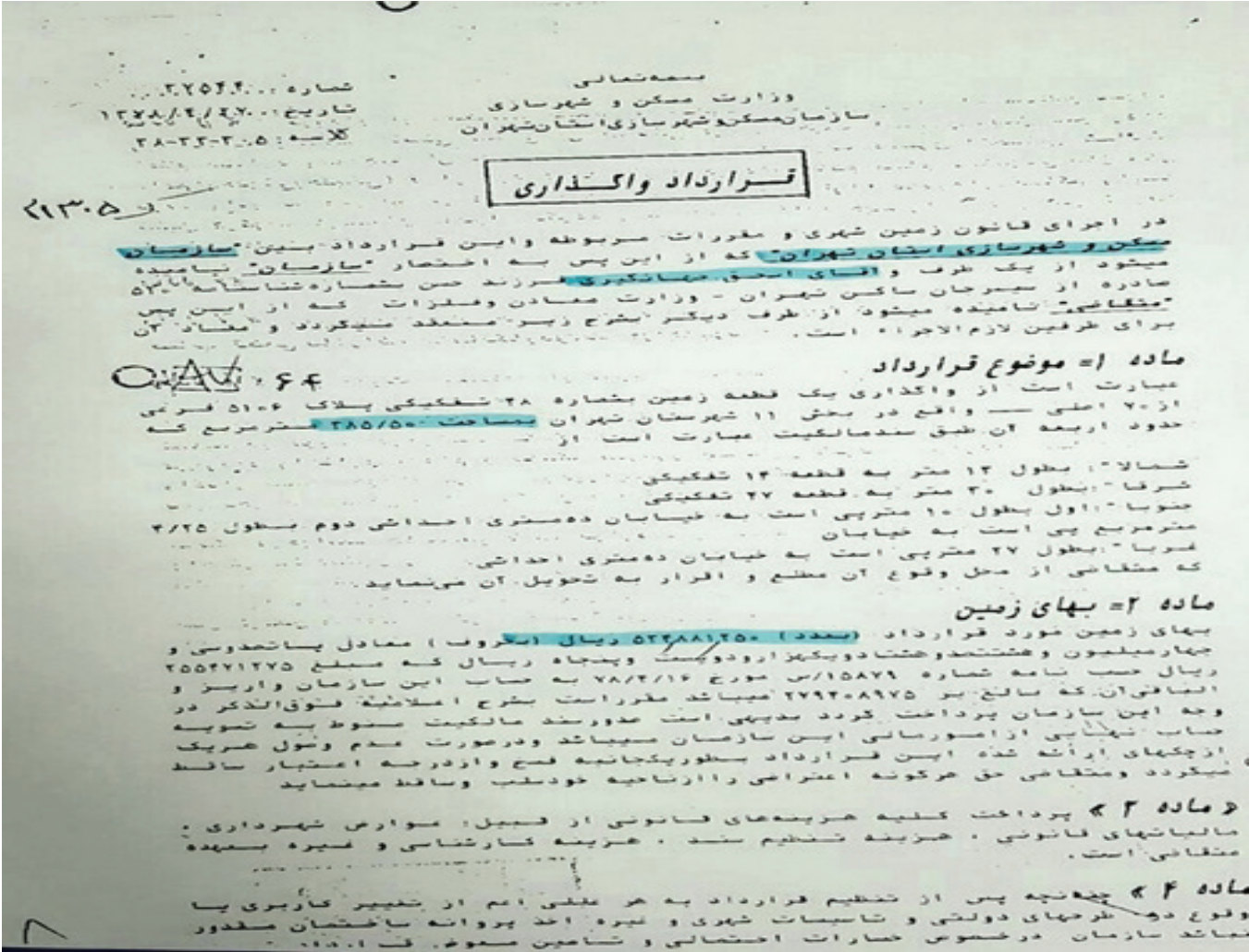
اعلام کردند که بنابر دستور فرمانداری اجازه عکاسی و تهیه خبر و گزارش از وضعیت انتخابات را به آنها نداده و آنها را ملزم کرده‌اند که تنها باید نتایج نهایی انتخابات را اعلام کنند. در این رابطه "توماس اردبرینگ" خبرنگار نیویورک تایمز در تهران اعلام کرد: حوزه‌های رای در جنوب تهران تهی از رای‌دهندگان بود و در مابقی نقاط شهر نیز مشارکت آنچنانی دیده نشده است. بنابر گفته‌های افرادی که به عنوان صندوق‌دار در حوزه‌ها حضور داشتند، مشارکت مردم نسبت به دوره‌های پیشین بسیار کم و در برخی از حوزه‌ها، فضای بسیار سرد و رخوت‌انگیزی تا ساعات پایانی انتخابات حاکم بوده است. حتا برخی از کاندیداها از سیاست تطمیع استفاده کرده و به ازای هر رای مبلغ ۵۰۰ هزار تومان را به مردم وعده داده بودند. از سوی دیگر مشخص شد که در برخی از حوزه‌ها برگه‌های تقلبی چاپ شده بود که به نفع کاندیدی به صندوق ریخته شود. در ادامه‌ی گزارشات رسیده در این باره

جمعیت بیشتری را به پای صندوق‌ها بکشاندند و از سوی دیگر باعث ایجاد اختلاف‌های عمیق در میان مردم شوند. براساس آخرین اخبار و گزارشات رسیده در روز انتخابات، در تمام شهرهای کردستان و حتا در برخی از روستاها، رژیم تعداد کثیری از نیروهای لباس شخصی و امنیتی خود را در سطح، به ویژه در حوزه‌های انتخاباتی شهر پراکنده و مستقر کرده بود. اگرچه بنابر گزارشات موثق، در روز نمایش انتخابات اکثریت مردم کردستان برخلاف خواست رژیم، به استقبال فراخوان احزاب کرد مبنی بر تحریم انتخابات رفته بودند و در این نمایش رژیم شرکت نکردند اما آنچنان که انتظار می‌رفت رژیم مشارکت در کردستان را بی‌سابقه اعلام کرده بود. این در حالی‌ست که حتا به رسانه‌های حکومتی نیز اجازه تهیه گزارش از وضعیت انتخابات در شهرهای کوردستان را نداده بودند. به عنوان مثال خبرگزاری‌های کردپرس، صدای شهر، گولان، ساکاپرس و کوشا که همگی از وابسته‌های امنیتی رژیم هستند طی بیانیه‌ای در ۲۹ اردیبهشت

روز جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ شمسی، به اصطلاح انتخابات ریاست‌جمهوری و شورای شهر و روستا در ایران با دنیایی از وعده و وعیدهای پوچ و توخالی برگزار شد و همانگونه که پیش‌بینی می‌شد، رژیم از تمام حيله و حقه‌هایی که در چنته داشت برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای استفاده کرد. اولین سیاست رژیم برای کشاندن مردم به پای صندوق‌ها، همزمان کردن برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و شورای شهر و روستا بود تا از این طریق افرادی که خواهان شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری نیستند به پنهانی رای دادن به کاندیداهای شوراها مجبور به شرکت در این نمایش انتخاباتی نیز بشوند. در مرحله‌ی دوم، به اکثریت قریب به اتفاق کاندیداها فرصت داده شده بود تا در بازی تبلیغاتی شرکت کنند و در همین راستا هم رژیم به هرکدام از آنان ۱۰۰ میلیون تومان وام با بهره‌ی بسیار کم پرداخت کرد، تا از این طریق مردم بیشتری را برای کاندید شدن تحریک کرده و آنان نیز به نوبه‌ی خود

اسناد فساد مالی

جناح به اصطلاح اصلاح‌طلب نیز افشا شد



کوردستان میدیا: بنابر تعدادی سند و فایل جدید، حسن روحانی نیز همانند سایر مسئولین حکومتی دست بالایی در غارت اموال و دارای‌های مردم دارد. سایت "خبرنامه گویا" با انتشار مجموعه‌ای از اسناد، به افشای فسادهای مالی حسن روحانی و باند مطبوع‌اش که بیشتر به صورت رانت و تصرف زمین و املاک مردم می‌باشد دست زده است. به عنوان مثال در یکی از این اسناد منتشر شده، حسن روحانی در سال ۱۳۶۸ قطعه زمینی به مساحت ۷۹۰ متر واقع در شهرک غرب تهران به نرخ ۲ میلیون تومان از سازمان نوسازی خریده، در حالیکه ارزش واقعی این قطعه زمین در آن زمان ۱۴۰ میلیون تومان بوده است. در سندی دیگرروحانی، به پدر داماد خود این امکان را داده است که از بانکی در دبی وامی کلان با بهره صفر درصد بگیرد و آن پول را در بانک‌های ایران با سود ۲۴ درصد قرار دهد و از سود آن بهره برد. یا در سندی دیگر که خبرگزاری فارس آنرامنتشر کرده‌است،فریدون روحانی برادر حسن روحانی، در اسفند ۵۸ و تنها بعد از ۱۰ ماه از تاسیس بنیاد

ادامه سخن

آنچه‌که شایع بود آن بود که اگر می‌خواهیم هرکاری را انجام دهیم باید با آگاهی برادر بزرگ آنرا انجام دهیم، حال نیز جمهوری اسلامی در تلاش است که این نوع فرهنگ را در جامعه ایجاد کند که تنها راه سیاست و مبارزه در چارچوب سیستمی‌ست که ولی فقیه بر آن حاکم باشد. بی‌شک در پیچ و خم‌های مبارزه و قیام در چنین سیستم‌هایی که قصد دارند از هر طریقی اراده انسان انقلابی را به زانو درآورده و نابود کند، مبارزینی پیدا می‌شوند که از این همه فراز و نشیب مبارزه خسته و درمانده شوند، امری که غریب نیست و باید دانست که توانایی‌های همه، یکسان و برابر نمی‌باشد و هر کسی دارای حد و مرزی از توانایی و اراده‌ست و به همین خاطر چنین افرادی در مقطعی از مبارزه‌شان نیرو و توان خود را از دست داده و اراده‌شان را از دست می‌دهند، اما برای پنهان کردن شکست‌شان، دیگر مردمان و مبارزین را تشویق می‌کنند تا نحوه و دید مبارزاتی‌شان را از بیرون حکومت به درون حکومت منتقل کنند و در واقع شکست خود را به نام دیگری تئوریزه بکنند و می‌خواهند که با خود مبارزه ملتی را به قهر چاه ببرند. اینگونه افراد که ممکن است اینجا و آنجا سربرآورند، از سویی قصد آن دارند که از سهولت مبارزه در سایه‌ی رژیم ولایت فقیه بهره‌ها ببرند و هم سیمای مبارزاتی خود را داشته باشند، اما در واقع اینان موجوداتی هستند که سیمای مبارز و قیام را زشت می‌کنند و در هنگام طلوع آزادی، شکست‌آخوردگی‌شان بیشتر و بیشتر آشکار می‌شود.

کوردستان میدیا: "حسن شرفی" سخنگوی حزب دمکرات کردستان ایران، طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که انتخابات در ایران مبنای دموکراتیکی ندارد و صحبت از حقوق ملی ملیت‌های ایران پایه‌های نظام را با تهدید روبرو می‌سازد. حسن شرفی، معاون دبیر کل و سخنگوی حزب دمکرات کردستان ایران، طی مصاحبه‌ای با سایت "باسنیوز" به ماهیت انتخابات به ویژه انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو پرداخت و گفت: "آنچه‌که به انتخابات در رژیم اسلامی ایران بنابر ماهیت و ذات رژیم

مربوط می‌شود در واقع بیانگر غیردمکراتیک بودن آن و هماهنگ نبودنش با هیچکدام از معیارهای انتخابات دموکراتیک می‌باشد و ما با نوعی پارادوکس در این به اصطلاح انتخابات روبرو هستیم و بیانگر دروغین بودن آن است. در این دور از انتخابات نیز به مانند دوره‌های پیشین، غیرقانونی و نادمکراتیک بودن آن به عینه عیان است و در نهایت نیز نباید چشم به راه نتیجه درست و حقیقی از آن باشیم. حسن شرفی همچنین افزود: از آترویی که کاندیداهای ریاست‌جمهوری در ایران باید از

چندین فیلتر گزینش رژیم عبور کنند و بنابر مهندسی انتخابات، اشخاص از پیش مشخص شده‌اند، قریب به ۷۵ درصد مردم ایران از کاندید شدن محروم و این حق از آنان ضبط شده است. به همین خاطر انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران ماهیتا غیردمکراتیک می‌باشد. سخنگوی حزب دمکرات در بخش دیگری از سخنان خود متذکر شد: "تغیر چهره‌های مسئولین در رژیم اسلامی ایران موجب هیچگونه تغییری در سیاست‌های کلان ایران، معیشت زندگی مردم، تداوم سرکوب، اعدام و نیز سیاست خارجه

آن نمی‌شود. به عنوان مثال زمانی که خاچی روی کار آمد بعد از مدتی معترف شد که هیچگونه قدرت و اختیاری ندارد و نیز احمدی‌نژاد بعد از دو دوره ریاست‌جمهوری حتا صلاحیتش تأیید نشد. همچنین باید به موسوی و کروبی اشاره کرد که در زمان خود نخست‌وزیر و رئیس مجلس بوده‌اند که دیدیم به حاشیه رانده شدند، در واقع جمهوری اسلامی حتا نسبت به دلسوزان خود نیز وفادار نیست". سخنگوی حزب دمکرات به مساله بایکوت از سوی احزاب گرد کرد و گفت: "بایکوت و تحریم کنونی با

گذشته تفاوت‌هایی دارد، اگر پیشتر حزب یا جناحی کردی سعی می‌کرد از بایکوت و تحریم دوری کند و در انتخابات شرکت سهیم باشد، اما امروزه به این قناعت رسیده است که رژیم چنین فرصتی را به کسی نمی‌دهد و هیچ زمینه‌ای نیز برای تغییر وجود ندارد که در آن راستا بتوان برای رسیدن به حقوق ملی ملت کرد گامی برداشت. همچنین تمام سازمان‌ها و احزاب حاضر در این تحریم تا بدانجا که در توان داشته‌اند از طریق رسانه و میزان نفوذ خود در جامعه، از مردم خواسته‌اند که به پای صندوق‌های رای نروند".

درخواست انجمن‌های دانشگاه پیام‌نور سنجندج در مورد مستقل شدن دوره‌های آموزش زبان کوردی



پیام تبریک مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت آزادی "محمدصدیق کبودوند"

را دچار هراس و وحشت کند تا پی‌گیر حقوق حقه‌ی خود نباشند. ما در برابر مقاومت و ایستادگی، محمدصدیق کبودوند، مبارز میدان اعاده حقوق ملت کرد، که سربلندانه سال‌ها زندان را پشت سر نهاد و در زندان نیز صدای حق‌خواهی ملتمان بود، سر تعظیم فرود می‌آوریم به همین مناسبت به ایشان، اعضای محترم خانواده‌شان و تمام زندانیان سیاسی و همه مبارزین راه آزادی ملتمان تبریک می‌گوئیم.

حزب دمکرات کردستان ایران
دبیرکل
مصطفی هجری
۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ شمسی
۱۳ می ۲۰۱۷ میلادی

قروض رژیم دو برابر بودجه‌ی ایران است

پرداخته بود که: توسعه اقتصادی در سال جدید به ۷۸۳ درصد خواهد رسید در حالی که این مرکز برای سال ۹۵ توسعه ۲۱۷ درصدی را پیش‌بینی کرده بود. از سوی دیگر صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده است که، اقتصاد ایران در سال ۹۶ به دلیل تثبیت تولید نفت اوپک با ۵۰ درصد کاهش توسعه روبرو شود.

است، جمهوری اسلامی می‌کوشید تا از طرق مختلف که در اجرای آن‌ها تخصص دارد، محمدصدیق کبودند را تحت شکنجه و فشارهای متعدد روحی و روانی قرار دهد تا او را وادار به دست کشیدن از باور و عقایدش کند و نهایتاً اعلام ندامت نماید و در برابر رژیم به زانو بیافتد. اما محمدصدیق کبودوند نه تنها بر باور و اعتقاداتش مُصر بود، بلکه زندان را نیز به سنگر مبارزه علیه رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی ایران بدل کرده بود. مقاومت و ایستادگی محمدصدیق کبودوند برای بار دیگر این پیام را به جمهوری اسلامی ایران داد که با زندانی‌کردن و اعدام آزادیخواهان، نمی‌تواند مساله‌ی ملیت‌ها تحت ستم ایران –و از آن جمله ملت کرد- را حل کند و از این طریق مردم

کوردستان میدیا: "مصطفی هجری" دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران طی پیامی آزادی محمدصدیق کبودوند را تبریک گفت. متن کامل پیام:
پیام تبریک مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت آزادی محمدصدیق کبودوند به پایان رساندن سربلندانه‌ی ۱۰ سال زندان، که حکمی ناعادلانه و تحمیل شده بر موسس و رئیس سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، محمدصدیق کبودوند، از سوی جمهوری اسلامی ایران بود و بازگشت ایشان به آغوش خانواده و دوستدارانش، حاوی چندین معنا و پیام است که جای تامل و آموختن دارد:
در تمام این مدت، که بودن در زندان‌های بدنام رژیم خود نوعی از شکنجه و آزار

کوردستان میدیا: علی لاریجانی رئیس مجلس رژیم ایران اعلام کرده است که مجموع قروض رژیم به بانک‌ها دو برابر بودجه ایران است.
خبرگزاری "تسنیم" وابسته به سپاه تروریستی پاسداران، به نقل از علی لاریجانی در نشست مشترک کمیسیون اقتصادی پارلمان با اعضای هیئت عامل صندوق توسعه ملی نوشته است که: بدهی دولت به بانک‌ها ۲برابر بودجه کشور است.

خدمتگذاری ریاکارانه برای کسب رای

شهردای‌ست، در کوردستان در سطح بسایر نازلی قرار دارد و برنامه‌ها هر ۵ یا ۶ سال یک بار دچار تغیر و تحول می‌شوند و این عدم برنامه‌ریزی علمی موجب خشم و اعتراض مردم شده است. خبرنگار کوردستان میدیاهمچنین افزود، اکثر این مناطق سیستم فاضلاب ندارند و اکثراً نیز مشکل آب آشامیدنی دارند. رژیم ایران برای افزایش سطح مشارکت و کشاندن مردم به پای صندوق رای از هر نوع فریب و فریبکاری بهره می‌برد.

جلب کنند که با عکس‌العمل مردمان این منطقه روبرو شدند. خبرنگار کوردستان میدیا در این ارتباط گزارش داد که، مسئولین دولتی تعدادی وسیله خدماتی برای این شهرک آورده بودند که با اعتراض مردم روبرو می‌شوند. شهروندان این شهرک مسئولین را خطاب قرار دادند و به روی آن‌ها هجوم بردند. به همین خاطر شهردار و نماینده سنجندج اسباب و اثاثیه‌شان را جمع کرده و با سرعت محل را ترک کردند. برنامه و طرح درازمدت برای رفع احتیاجات شهر که برعهده

کوردستان میدیا: مسئولین رژیم اسلامی ایران برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای دست به خدمتگذاری‌های موقتی زده‌اند که با این حال هم با اعتراض مردم روبرو شده‌اند. بنابر خبر رسیده به سایت کوردستان میدیا، روز چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ شمسی، شهرداری شهر بانه و نماینده فرمانداری استان سنجندج به بازدید شهرک "سپیده" شهر بانه پرداختند و قصد آن داشتند که در آستانه انتخابات با سواستفاده از خدمتگذاری نمایشی و موقتی توجه مردم را به انتخابات

فرهنگی سال ۸۹_۹۰) و استقلال کامل آن از فعالیت‌های غیر دانشجویی و غیر دانشگاهی می‌باشیم. این فعالین همچنین متذکر می‌شوند که: این درخواست اکثر قریب به اتفاق دانشجویان، اساتید، فعالین فرهنگی، ادبی، اجتماعی دانشگاه پیام‌نور سنجندج می‌باشد که باید دانشگاه به جانبداری یکسویه از این نوع تعاملات منفعت‌طلبانه دست بکشد و علی‌رغم دادن مهلتی یک هفته‌ای به مسئولین دانشگاهی و همچنین مراجع بالاتر، پیش از انتشار این بیانیه با هیچ جوابی روبرو نشدیم. این انجمن‌ها همچنین اعلام کرده‌اند که: اگر دانشگاه در اسرع وقت جوابی به ما ندهد دست به اعتصاب خواهیم زد.

فرهنگ‌ها، برگزاری کلاس‌های کوردی را در همان اوایل تاسیس در حیطه‌ی کاری خود(فرهنگی_اجتماعی) قرار داده است و چندین سال مشغول به انجام این مهم و آموزش زبان مادری به تعداد زیادی از دانشجویان می‌باشد، لیکن به مدت ۲سال بخشی از این وظیفه از انجمن مذکور صلب شده است و زیر نظر بعضی از احزاب خارج از دانشگاه و وابسته به دولت فعالیت می‌کند لذا اینجانب - شنو محمدی دبیر انجمن فرهنگی-اجتماعی گفتگوی فرهنگ‌ها- به همراه تعدادی از انجمن‌ها و فعالین دانشجویی دانشگاه پیام نور مرکز سنجندج به شیوه‌ی رسمی خواهان برگرداندن این بخش از کلاس‌های کوردی به انجمن گفتگوی فرهنگ‌ها (مصوبه‌ی شورای

کوردستان میدیا: جمعی از انجمن‌های سنجندج بیانیه‌ای مبنی بر مستقل شدن دوره‌های آموزش زبان کوردی منتشر کرده‌اند. بنابر خبر رسیده به سایت کوردستان میدیا، جمعی از انجمن‌های دانشگاه پیام‌نور سنجندج به منظور مستقل شدن دوره‌های کوردی و خارج کردن این دوره‌های از سیطره و نفوذ حکومت، درخواستی را منتشر کردند. متن کامل این درخواست به شرح زیر است:
نظر به اینکه انجمن گفتگوی فرهنگ‌ها از ابتدای تاسیس به صورت فعالانه در حیطه‌ی کارهای فرهنگی_اجتماعی در دانشگاه پیام نور مرکز سنجندج ظاهر شده است و با توجه به اینکه انجمن گفتگوی

محمدصدیق کبودوند

از زندان آزاد شد

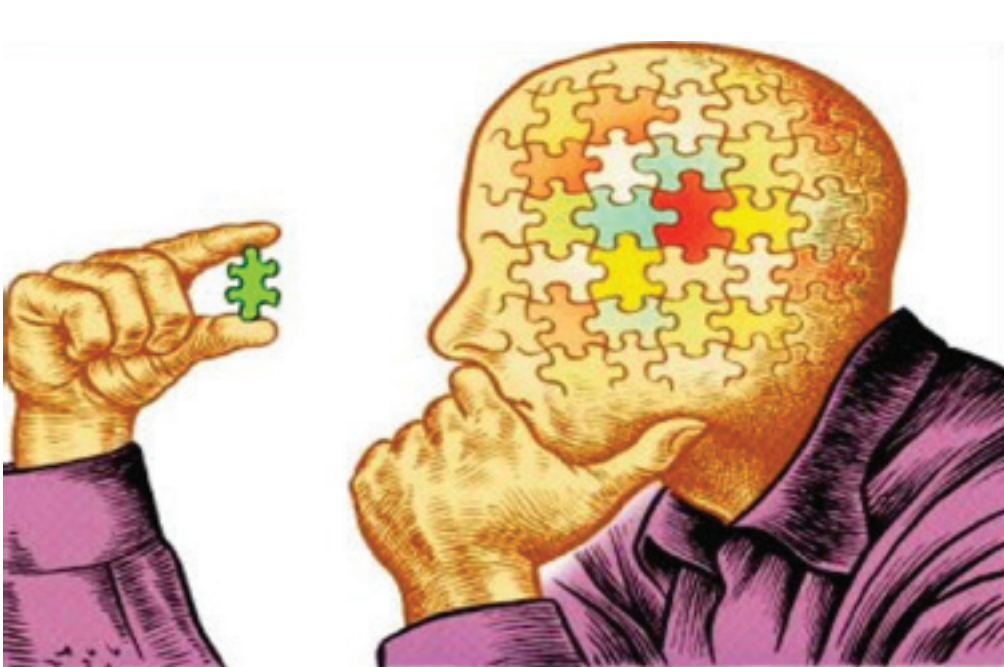


سنجدج به یک سال حبس تعزیری، ۵ سال محرومیت از روزنامه‌نگاری و مدیریت نشریه و ابطال پرونده انتشار پیام مردم محکوم شد که پس از تأیید در دادگاه تجدیدنظر استان تهران، میزان محکومیت حبس در دیوان عالی کشور به ۶ ماه تقلیل یافت. باوجود پیگیری زیاد و قول مسئولین قضایی هنوز قانون تجمیع جرائم درباره پرونده وی اعمال نشده است. مطابق ماده ۱۳۴ قانون مجازات جدید، در صورت تجمیع جرائم، تنها حکم ده ساله آقای کبودوند قابلیت اجرا دارد و حبس شش ماهه او اجرا نخواهد شد.
کبودوند پرونده‌ای نیز مربوط به انتشار کتابچه‌ای در مورد زنان و نقض حقوق آنان در ایران، در دادگاه انقلاب آذربایجان‌غربی داشت که از این اتهام تبرئه شد. کبودند در طی دوران حبس بارها دست به اعتصاب غذا زد، از جمله اعتصاب غذای ۵۹ روزه برای دیدار با فرزند بیمارش و همچنین اعتصاب غذای ۳۴ روزه در اعتراض به پرونده سازی‌های اخیر که روز چهارم خردادماه ۱۳۹۵ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی محمد مقبسه برگزار شد و با تبرئه وی از اتهامات وارده، پایان یافت.

با تعهدات حقوق بشری ایران شناخته و حکم ده سال حبس برای ایشان را خودسرانه و غیرقانونی اعلام نموده بود و دولت ایران را به آزادی بدون فوت وقت کبودوند فراخوانده و تصویب نموده که بابت جبران خسارت‌های روحی و روانی، جانی و مالی وارده بر کبودوند و خانواده‌اش باید به وی غرامت بپردازد. محمد صدیق کبودند از دهم تیرماه سال ۱۳۸۶ بازداشت و زندانی‌شده است. دادگاه انقلاب اسلامی تهران به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل و اداره سازمان دفاع از حقوق بشر کُردستان وی را به ده سال حبس و از بابت تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی از طریق ارتباط و مراوده با سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و ارتباط و مکاتبه با شخص کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل متحد و گفتگو با رسانه‌های عمومی به یک سال حبس و جمعاً به یازده سال حبس محکوم کرد که در شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ده سال حبس از بابت تأسیس سازمان، مورد تأیید قرار گرفته و قطعی شده بود. وی در پرونده مربوط به فعالیت روزنامه‌نگاری، به اتهام "تشویش اذهان عمومی از طریق درج مطالب در هفته‌نامه پیام مردم" توسط دادگاه عمومی و انقلاب

کوردستان میدیا: محمد صدیق کبودوند، فعال حقوق بشر و رییس زندانی سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان پس از ده سال حبس با قید کفالت از زندان آزاد گردید.
براساس گزارش رسیده وب‌سایت کوردستان میدیا، امروز جمعه بیست و دوم اردیبهشت‌ماه، محمد صدیق کبودوند، رییس زندانی سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان پس از ده سال حبس از زندان آزاد شد.
روز گذشته بیست و یکم اردیبهشت‌ماه، سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان با انتشار اطلاعیه‌ای در رابطه با آزادی کبودوند عنوان کرد: با وجود پیگیری مداوم، قانون تجمیع جرائم درباره پرونده وی اعمال نشده است. مطابق ماده ۱۳۴ قانون مجازات جدید، در صورت تجمیع جرائم، تنها حکم ده ساله حبس آقای کبودوند قابلیت اجرا دارد و حبس شش ماهه او اجرا نخواهد شد به همین جهت آقای کبودوند با قید کفالت تا تعیین تکلیف این ماده در خصوص کمیته تحقیق بازداشت‌های خودسرانه ملل متحد در قطعنامه‌ای تأسیس سازمان دفاع از حقوق بشر کُردستان و فعالیت‌های سازمان و شخص آقای کبودوند را قانونی و منطبق

در مصاف با روشنگری سیاسی



● نگارنده : دیاکو مرادی

سیاست‌ورزی را می بایست نقطه‌ای مقابل فلسفیدن نامید، این یعنی که بتوان وضعیتی را چنان توصیف کرد که بتوان در چهار چوب آن، توافق را تسهیل کرد. این مسیر نه به سیاست رادیکالی، بلکه نیازمند نوعی دموکراسی در قالب قانون اساسی غنی خواهد بود. یعنی امیدهای رمانتیک و اتوپیایی را در سیاست دولتی حذف کرده، چون اینگونه متون در اندیشه های سیاسی موثر نخواهد بود. سیاست، مربوط به اصطلاحات و توافقات کوتاه مدت و پراگماتیک است، توافقاتی که باید در یک جامعه‌ی دموکراتیک، در چهار چوب کم و بیش اختصاصی‌تر مطرح و دفاع شود، نه توافقاتی که متافیزیک بر آنها غلبه کند. اندیشه‌ی سیاسی، "گاها" بر کوششی معطوف به صورت‌بندی فرضیه‌هایی در مورد اینکه چگونه و تحت لوای چه شرایطی چنین اصطلاحاتی می‌توانند موثر باشند، متمرکز می شود. سیاست نوین هم سعی دارد تا از شرِ رادیکالیسم و راه‌های منتهی به آن خلاص و در برخورد با افراد در همه ی سطوح پراگماتیک باقی بماند. هنوز پروژه‌ی سیاسی روشنگری در حرکت است، ولو این که بسیار آرام به پیش می‌رود، در حالی که میانبرهای صوری به اتوپیا(utopia) ، همچون فاشیسم و مارکسیسم، اهدافی منسوخ ازآب درآمده اند؛ می بایست حوصله کرد. هم اکنون روشن است که تغییرات اصلاح طلبانه، تدریجی و دموکراتیک اجتماعی در قانون گذاری و نهاده‌ا، یگانه راه حصول آرمان روشنگری سیاسی، یعنی آزادی مضاعف و حقارت (humiliation) در پایین سطح آن خواهد بود. پاره‌ای از اوقات، اصطلاح گمراه کننده پست مدرنیسم برای نشان دادن ابتکار فلسفی به کار گرفته شده است، اما این اصطلاح به آن دستاوردهایی دلالت دارد که ابتدای آن به نیچه و پراگماتیست‌های آمریکایی باز می گردد. البته ریشه‌ی تاریخی آن در تاریخ‌نگری هگلی و زیست‌شناسی داروینی قرار دارد. پس می توان اظهار داشت که فردی به دلیل دیدگاه‌های پراگماتیستی درباره‌ی فن حقیقت و شعور عقلانیت، یک پست مدرنیست است.

این بدان معناست که تجربه‌ی

چیزی در زندگی، یک عمل اخلاقانه (آشکارگرانه) محسوب می شود،

یعنی در ذات همین تجربه‌گرایی در پست مدرنیسم، گرایش به ناامیدی سیاسی به حداقل می رسد. به اعتقاد بعضی از منتقدین، آنچه مردم سیاست پست مدرن (postmodernist politics) یا سیاست فرهنگی (cultural politics) می‌نامند، عقب‌نشینی از سیاست واقعی به سیاست آکادمیک است. تا آنجا که همگی مستحضر هستیم، آنچه طرفداران این سیاست مطرح می کنند، بی‌اعتمادی به خلاقیت‌های لیبرال بورژوازی سنتی (bourgeoisliberal) و اومانیسم است که گمان می رود همراه با این خلاقیت‌ها، خدشه‌دار نیز شده‌اند. البته من باور دارم که جهان‌بینی فلسفی جدید، جهان‌بینی‌ای است که از اثر فیلسوفان "نونیچه‌ای" مثل هایدگر، دریدا، فوکو و لیوتار برآمده و همواره دلالت سیاسی دارد. پروژه‌ی قرن بیستم یعنی طبیعت و عقل به عنوان جایگزین‌های غیر ضروری خدا، ادامه‌ی اقتدار ستیزی (anti-auuthoritarianism) روشنگری است.آزادی از تر مسئول بودن در برابر چیزی غیر از انسان‌ها و بزرگ‌تر از آن، تر عجیبی است. تا جایی که اصطلاحات طبیعت، عقل یا حقیقت، برای اشاره به چیزی از این قبیل به کار گرفته شده باشد. می‌بایست تمامی آنها را از دایره‌ی واژگان حذف کنیم. ما باید به ضرس قاطع شکاکیت روشنگری درباره‌ی نیروهای غیربشری را دنبال کنکاش و مورد مطالعه قرار دهیم. رهایی از آخرین کورسوهای عقل گرایی قرن هجده، به لطف پراگماتیسم قرن بیستم برای اعتلای عزت نفس مفید واقع خواهد بود. تا آنجا که استنتاج‌های بشری نشان داده است، هیچ دستاورد فلسفی‌ای نتوانسته دلیلی برای ترک سیاست روشنگری را به ما عرضه کند. هیچ یاخته‌ای نمی بایست جایگزین امید سیاسی اتوپیایی شود، جز نگاه اجمالی به اتوپیایی بهتر از آن که قبلا تصور شده بود. شاید شما از خودتان سوال کنید که چرا غالبا متصور می‌شویم که پروژه‌های روشنگری، سیاسی و فکری غیر قابل انحلالند؟ من تصور میکنم که این ماجرا دال بر چیزی بیش از یک همزمانی تاریخی نیست. اجازه دهید با شرح واقعه‌ای یک جهان متفاوتی را تصور کنیم؛ فرض کنیم که توتالیترها بسیار حقه بازتر

کردستان ایران

از وجود است. این نگرش، فلسفه تحلیلی نوین را مستلزم می‌سازد که فلسفه، نیازمند سیاست نوظهور است. نیاز مبرم به ایجاد جهانی بدون ظلم و ستیز، عمیق و پایدارتر از تمامی نگرش های فلسفی!"کوئینتین اسکیزر" در تقابل روشی جدید، تنش بین بلاغت و منطق، بین آنچه خودش، با پیروی از فرامین هابرماس، مفاهیم دیالوگی و مونولوگی را عقل می‌نامد. البته شاید، تداوم مفاهیم متافیزیکی در دوره‌ی اسطوره‌گرایی قرون وسطی، صرفا یک احتمال تاریخی در نظر گرفته شده است. همانطور که استیفن می گوید : موتنی و نه دکارت، پایه گذار سنت‌های فلسفی بوده‌اند و همگام با آنها ادبیات و سیاست سعی داشتند به جای جهان‌بینی دینی، یک جهان‌بینی سکولار شده را ایجاد کرده که قوانین ریاضیات و فیزیک را کنار بزند. بنابراین بازتعریف شاعرانه، نهادها و سنن دیکتاتوری همچون اموری شرارت‌آمیز و نه شریف و نهادها و سنن دموکراتیک به عنوان فراگشتی فکری و الگویی نمودار شده اند. از این رو تمامی الگوهای دکارتی یعنی برهان و علیت ریاضیات، و الگوی بیکن، یعنی آزمایش علمی به حاشیه رانده می شود. این در حالی است که در نبود شرافت مدنی، جامعه‌ی شاپسته (decet society) کمرنگ و کمرنگ تر و از دل همان اتوریتهی حاصل، تروریسم متولد می گردد. سال‌هاست که دولت‌ها تروریسم را به عنوان مطایبه‌ای که جهان را تسخیر کرده می‌نگرند. به موازات

دگرگونی شالوده‌ی متافیزیک اندیشه‌ی غربی، مجموعه‌ی بی‌تعین و سیالی، ضریب امنیت شهروندان را به مخاطره انداخته و سایه گسترانی این وحشت توانسته است صادقانه‌ترین کوشش‌ها و اقدامات پیشگیرانه‌ی لازم را برای جلوگیری از این پدیده به بن‌بست برساند. تقریبا تمامی دولت‌ها به شهروندان وا نمود می کنند که مشغول فراهم ساختن امنیتی هستند که مالیات دهندگان در ازای پرداخت مالیاتشان انتظار دارند. قدرت از دیدگاه توتالیتاریسم، منحصرأ در زور سازمانی نهفته است، درست همچنانی که دولت ایران، هر نهادهی را مستقل از کارکرد عملی‌اش به عنوان رشته‌ی ارتباط احزاب با مردم در نظر می گیرد و با افتخار باور دارد که ارزشمندترین گنجینه‌ی نارس ایرانی‌اش نه منابع غنی و خاک، نه ظرفیت مولد نیروی انسانی‌اش، بلکه کارکرد امنیتی آن به شرط وام دادن به دیگر نیروهای توتالیتز خواهد بود. تقسیم همین دولت‌ها به کشورهای گانگستریسم و فرودست بیش از یک تمهید عوام‌فریبانه معنی می دهد. صورت بیرونی این تقسیم، همان تقسیم استراتژیک برای زایش قدرت و قلمری توتالیتز در برابر نظام‌های باورمندی است که قدرت و مکانیسم مادی را در یک بنیان شگفت‌انگیز دو وجهی دریافته‌اند. جنبش کوردی، ماهیتی بسیار ریشه‌ای‌تر در برابر پلوتیک اخیر دارد. چیرگی هوش سیاسی کوردها در منطقه، ترس فلج کننده ای بر

کردستان

استراکچر این دولت وارد کرده است. رهایی از سیطره ی تروریسم، نیازمند آموزش اندیشه‌ها از قید آموزه‌های کهنه و ایجاد یک فرهنگ تدوین شده‌ی زنده است. فلسفه‌ی سیاسی به روشی نیازمند است که به همههی ما اجازه دهد بدون تحقیر یکدیگر، باوقار و منزلت در کنار هم زندگی کنیم. این فلسفه را می‌توان ایجاد دولت رفاه نامید. ناگفته نماند که تلاش ما برای جهان‌بینی‌ای وسیع‌تر، غنی‌تر و کامل‌تر بر پایه‌ی روایتد اساسی متون کهن متداول یعنی همان مکالمات افلاطونی و نصایح بودایی بوده است. مورخان سخن رانده اند که چگونه این متون کهن با متونی نظیر اعترافات (confessions) اگوستین، اصول (principia) نیوتن، اشعار شلی و مانیفست کمونیست مارکس و انگلس سازگار می‌شوند. وقتی که شخصیت‌های مضاعفی به فهرست ما اضافه می شوند، تخیل ما را تحریک کرده و امکان‌های کشف نشده را به طور غیرمستقیم بیان کرده و در نتیجه به آفرینش متون جدیدی منجر می‌شود که ما آن را تخیل فرهیخته می‌نامیم. همه‌ی ما مشتاق خلاص شدن از متافیزیک هستیم که نمایش تکرارهای بی‌غر را بزداثیم و در پرتوی عقل غرق گردیم. ما از متافیزیک و یا از روانکاوی، چیزی منوط به امید بشری نیاموخته‌ایم، ما نیازمند تفسیری عقل گرایانه و روشنفکری سیاسی از مفهوم پیشرفت هستیم.

کانادا به ایران اجازه رای گیری

در آن کشور را نمی‌دهد

کردستان میدیا: دولت فدرال کانادا به رژیم اسلامی ایران اجازه نمی‌دهد که صندوق رای برای برگزای نمایش انتخاباتی خود در شهرهای آن کشور مستقر کند. نشریه "گلوب ان میل" طی خبری اعلام کرد که دولت فدرال کانادا به رژیم ایران اجازه نمی‌دهد که در آن کشور برای نمایش انتخابات ریاست جمهوری خود صندوق رای مستقر کند. نماینده دائم رژیم اسلامی در سازمان ملل متحد چندی پیش یادداشتی به مقامات کانادایی فرستاده بود تا این کشور اجازه دهد چند حوزه رای‌گیری در کانادا برپا کند تا ایرانیان وابسته به رژیم بتوانند رای بدهند. اما این درخواست از سوی دولت فدرال کانادا رد شده است. روزنامه گلوب‌اند میل همچنین به نقل از یک مقام کانادایی آگاه با مسایل ایران نوشته است، دولت این کشور فقط به کشورهایی که در کانادا هیئت‌های نمایندگی سیاسی داشته باشند اجازه می‌دهد در خاک کانادا حوزه‌های رای‌گیری برپا کنند. حکومت وقت کانادا در پایان روزهای تابستان سال ۱۳۹۱ روابط دیپلماتیک خود را با ایران به حالت تعلیق در آورده است.





این عنوان که: آزادی کوردستان یا از طریق اسلحه بدست می‌آید یا از راه قلم، در بسیاری از محافل راه خود را باز کرده است. کسانی که با حال و هوای مبارزه بیگانه هستند، به بزرگ‌نمایی ابزارها دست می‌زنند، آنچکه می‌تواند استعمارگر را به زانو درآورد، تنها و تنها اراده‌ی نیرومند انقلابی‌ست که در انسان کرد شکوفا و تعالی می‌یابد. مردمان میهن‌دوست و قهرمانانی که از هر ابزاری، چه اسلحه و چه قلم، بهره می‌جویند تا بتوانند ظلم و ستمی را که بر ملت‌شان روا داشته شده، از بین ببرند. ابزارها تا بدست انقلابیون نباشد چه توان تغییری خواهند داشت؟؟ چه بسیاری زنان قهرمانی که در صفوف پیشمرگه با کنش و مواضع انقلابی خویش رژیم تهران را منفعل کرده‌اند... . شهید سرکوت و شهید کاوه، زمانی که هیچ گلوله‌ای برایشان باقی نمانده بود تصمیم گرفتند با آخرین نارنجکشان به زندگی خود پایان دهند در چنین شرایطی آنان سرشار از اراده‌ی انقلابی و مبارزه بودند، کنشی که نیرو و اندیشه رژیم را به انفعال تمام تبدیل کرد و تفکر و اراده‌ی مبارزه و انقلابی را به کنشگری که با سربلندی در میان مردم خود جادوان گشت بدل ساخت. در همین راستا نمونه‌های زیادی وجود درد که بتوان نشان داد که اراده‌ی مبارزه و انقلابی بر تمامی ابزارهای قیام ارجح‌تر است.

بگویم که دو عامل اصلی می‌تواند بیش از این، حاکمیت استعمارگر را در تنگنا قرار دهند، اول نیرو و دوم سرعت در تصمیم‌گیری. توان بالای این دو عامل، شاخ و شار را بیشتر به‌هم نزدیک می‌کنند. طی "راسان"، پیشمرگه‌های دلیر حزب دمکرات کوردستان ایران، ثابت کردند که می‌توانند، محتوای پوچ نیروی رژیم را به مردم کوردستان و حتی جهان نشان دهند. آنان قهرمانانه بر طبق اصول مشخص و بدون هیچ هجوم و حمله‌ای، خواب "داعش تهران" را آشفته کردند و نیرو و جان تازه‌ای به خیابان و شهر بخشیدند. شهر به خوبی پیام شاخ را تحویل و باشارات خود، روایی و مشروعیت خود را به مبارزان اعلام نمود. علاوه بر تمامی فشارها و موانع‌هایی که حاکمیت در مقابل مردم شهر قرار داد، زندان‌ها را پر از فرزندان وفادار کرد، اما شهر با شهادت در میدان نرد ایستاده است. در اینجا بسیار حائز اهمیت است که شاخ، رهبران میدانی و عملی خود را به گونه‌ای متفاوت‌تر و سریعتر از دوره‌ی قبل از راسان، مشخص کند. بدین معنی که این رهبران میدانی و مبارزین در میدان عملشان، دست‌ها و فضای بازتری داشته باشند و قوانینی که در پیش پای این قهرمانان وجود دارد و بر تصمیم‌گیری‌های‌شان تاثیر منفی می‌گذارد را رفع کنند. متأسفانه طی بیست سال گذشته گفتمانی تحت

برده بودن خود اهتمام می‌دهند. به همین دلیل چنین تفکراتی به‌غیر از از دست دادن فرصت‌ها، چیزی از آن حاصل نخواهد شد. انسان‌های شهرنشین با رفاه اجتماعی و سطح زندگی آشنا هستند، آنان به خوبی می‌دانند که تا صاحب خاک و سرزمین خود نباشند، با قبول تمام مطالباتشان هم از سوی حاکمان تهران، مادام حق انسانی و هویت ملی‌شان بازگردانده نشود، انگار که هیچکدام از حقوق آنان اعاده نشده است و برایش قابل قبول نیست که هیچ درخواست دیگری –حتا اگر مشروع باشد- از خواست‌های قیام ملی‌اش پیشی بگیرد. انسان‌های مبارز شهر، دیگر چنین چیزهایی را به عنوان مطالبه و خواست قبول ندارند، زیرا با گذشت زمان به این نتیجه رسیده‌اند که استعمارگر هیچ منطقی ندارد تا از راه گفتگو و دیالوگ حقوق پایمال شده‌اش را به رسمیت بشناسد. بلکه باید برای گرفتن این حقوق ، هم‌طراز با قیام "شاخ"، مبارزه کند. "شار و شاخ" در این برهه‌ی تاریخی، این حق را دارند که به یاری گفتمان و شعار و افکاری بشتابند که تاکنون درمورد دستیابی به حقوق ملی بی‌نتیجه یا اصلا هیچ نتیجه‌ای نداشته‌اند. فارسیزم تهران دستاوردهایی را که تا کنون با زور سرنیزه به‌دست آورده، با گفتگو و دیالوگی شبهه‌آور از دست نخواهد داد. بجاست که

جوابی کوتاه برای آکادمیست‌هایی که به بیراهه رفته‌اند

استعمارگر تندخو و با استفاده از هر نوع ابزار و امکانات حکومتی نامشروع و هژمونی خواهانه‌ی خود به شیوه‌ای سیستماتیک درتلاش برای نابودی و از بین بردن احساس ملی‌اند، او در رسانه، آموزش و پرورش و زندگی روزمره‌ی مردم برای از بین بردن نماد وسمبل‌ها تلاش می‌کند و در این راه از هر چیزی بهره می‌برد. اگر چنین نشد، سطح مطالبات ملیتی را پایین آورده و اهداف مطالبات را به بیراهه می‌کشاند، این تلاش‌های بیهوده و عبث حاکمان ایران برای ملت کورد و مبارزین قهرمان این ملت شناخته شده است. آنچکه در این میان حائز اهمیت است وجود افرادی‌ست که تحت نام روشنفکر و نخبه در کوردستان و خارج از کوردستان به گونه‌ای به خیال خود، علمی و جامعه‌شناسانه!!! عمداً به عامل استعمارگر و متجاوز تبدیل و ساده‌لوحانه اهداف وی را به پیش می‌برند. آنها بنابر تاریخ هم نشینی اجباری با ملت استعمارگر، تاریخ دست‌ساز خود را برای فریب‌کاری و انحراف افکار عمومی، علیه ملتشان به کار می‌گیرند. آنان تحت تاثیر گفتمان استعمارگر، ذهنیت و احساسات ملی‌شان از بین رفته است به همین دلیل تلاش می‌کنند قیام ملی را تاحد مطالبات خدماتی و محیط‌زیستی پایین بیاورند، -هرچند که همیشه جنبش آزادی‌خواهی کوردستان، برنامه و پروژه‌هایش را برای مقابله با این مشکلات و دغدغه‌ها به افکار عمومی تقدیم کرده و مبارزه برای کسب عدالت و آزادی را مشروع دانسته است- اما آنان در مطالبات خویش در برابراستعمارگر تنها به بردگی و

دفاع می‌تواند تنها جنگی مقدس باشد که افرادی قهرمانانه در برابر استعمارگر ایستاده و مسئولیت آن را بر عهده می‌گیرند... این افراد سود و زیان یک زندگی عادی و روزمره برایشان دیگر اهمیتی نداشته و به عنوان یک وظیفه پا در این راه گذاشته و آن را ادامه می‌هند. آنان قهرمانان ابدی ملت خویش‌اند. این افراد که زندگی نکبت‌بار مستعمره بودن و بردگی را نپذیرفته‌اند، در واقع به موضع‌گیری در مقابل استعمارگر پرداخته‌اند. این موضع دلیرانه، زندگی عادی آنان و حتی نزدیکانشان را با خطر جدی روبرو خواهد کرد، اما جادوانگی ابدی و سربلندی تاریخی را در میان ملت خود، برایشان رقم خواهد زد... استعمارگر که خود را صاحب این خاک فرض می‌کند برای اینکه با چنین خطری روبه‌رو نشود، در تلاش است ملت را نیز تحت سلطه‌ی کامل خود درآورد، استعمارگر با اقدامات گوناگون تلاش می‌کند نقشه‌اش را در سایه و سکوت کامل اجرا کند، اجرای این پروژه می‌تواند سال‌ها طول بکشد، طویل و کوتاه بودن دوران بردگی رابط‌ی مستقیمی با میزان مطیع بودن ملت تحت سلطه دارد. به عنوان مثال استعمار ملت کورد تا به امروز ادامه دارد و هیچ نتیجه‌ی مثبتی برای اشغالگران در بر نداشته است. بدلیل اینکه قهرمانان جنبش آزادی‌خواهی کورد همیشه در سنگر قیام و مقابله با استعمارگر و دفاع از مطالبات ملتشان مانده‌اند، استعمارگر به غیر از تسلط بر خاک نتوانسته روحیه‌ی ملت کورد را تسخیر کند... زیرا قهرمانان جنبش آزادی‌خواهی کورد همیشه با مردم و ملت خود در ارتباط بوده‌اند.

دولت آمریکا سلاح‌های سنگین برای کردها

ارسال خواهد کرد



دولت ترکیه از تعهد ایالات متحده به جلوگیری از افزایش خطرهای امنیتی و نیز حفاظت از این متحد خود در ناتو، اطمینان داشته باشند". خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام رسمی آمریکا می‌گوید تسلیحات در نظر گرفته‌شده برای شبه‌نظامیان کرد، دربرگیرنده سلاح‌های دستی، مهمات، سلاح‌های خودکار، خودروهای زرهی و تجهیزات مهندسی‌ست.

همراه با شماری از شبه‌نظامیان عرب سوریه، و حمایت ائتلاف به رهبری آمریکا، در حال نبرد با "حکومت اسلامی" برای بازپس‌گیری رقه است. در همین راستا پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا، به نگرانی‌ها ترکیه در این ارتباط نیز اشاره کرده است و سخنگوی پنتاگون، در همین ارتباط اعلام کرد: "ما به‌خوبی از نگرانی‌های امنیتی ترکیه، متحد خود در ائتلاف، آگاه هستیم" او افزوده است "ما می‌خواهیم مردم و

وردسیان میدیا؛ دولت آمریکا در ادامه مبارزه با تروریسم قصد دارد سلاح‌های دستی، مهمات، سلاح‌های خودکار، خودروهای زرهی و تجهیزات مهندسی در اختیار کردها قرار دهد. وزارت دفاع ایالات متحده اعلام کرده است که در ادامه نبردها علیه داعش، "تا جایی که لازم است" تسلیحات در اختیار مبارزین کرد بگذارد. مبارزین کرد در قالب گروهی با عنوان "نیروهای دمکراتیک سوریه"

تا به صفوف پیشمرگه‌ها نپیوندند. در همین ارتباط خبرنگار سایت کوردستان میدیا گزارش داده است که بسیج در روستای "یادیناوی" از توابع شهرستان پیرانشهر اقدام به ساخت زمین فوتبال کرده است و بعد از چند روز این نیروها با آوردن لباس بسیجی از مردم روستا خواسته‌اند که آنرا به تن کنند. بعد از این کار شوم رژیم، مردمان روستا همگی این درخواست را رد می‌کنند و می‌گویند، عضو بسیج نمی‌شوند و بسیج نیز به بهانه‌ی این عمل ساخت زمین فوتبال را نیمه تمام رها می‌کند.

مذکور خطاب به معلمین گفته‌اند: عضویت در بسیج فواید و امتیازات گسترده‌ای به همراه خواهد داشت و ما هم نمی‌خواهیم که معلم‌ها برایمان جاسوسی بکنند و راپورت دیگر معلم‌ها را به ما بدهند و بگویند فلان معلم ماهواره دارد یا لباس کوردی به تن می‌کند". این سخنان خشم معلمین حاضر در جلسه را موجب می‌شود و در اعتراض به این سخنان متذکر می‌شوند که: " مگر می‌خواهید لباس خود را نیز بر تن کنیم؟؟". بسیج با انواع حقه و فریب و وعده، قصد آن دارد که مردم به ویژه جوانان را به عضویت بسیج درآورند

کوردستان میدیا؛ مسئولین بسیج استان ارومیه با هدف ثبت‌نام دانش‌آموزان در این نهاد، معلمین و دانش‌آموزان را تحت فشار قرار می‌دهد. بنابر خبر رسیده به سایت کوردستان میدیا؛ مسئولین بسیج رژیم اسلامی ایران طی روزهای اخیر با دیدار از مدارس مختلف شهرهای استان ارومیه همچون "مهاباد، بوکان، شنو و پیرانشهر" با معلمین این مدارس دیدار کرده و از آنان خواسته‌اند که فرم عضویت در این سازمان را پر کنند. خبرنگار کوردستان میدیا در این رابطه گزارش داد که مسئولین



کورد می‌تواند به عاملی تعیین کننده در معادلات خاورومیانہ بدل شود



قربانی را داده است زیرا علی‌رغم تقسیم سرزمین کوردستان میان چهار کشور، قیام‌ها و مبارزات رهایی‌بخش کورد نیز قربانی معادلات منطقه‌ای ابرقدرت‌ها گردیده‌است. عدم پشتیبانی این قدرت‌های جهانی از کورد و معاهداتی همچون سایکس پیکو و غیره استنادات این واقعیت‌اند. با این مقدمه، بعد از نزدیک به یک قرن از شروع آشوب‌ها در این منطقه، پیچدگی و آشوب زمان حال نیز اهمیت زیادی برایمان دارد چرا که در این میان عامل اصلی ایفای نقش برای قربانی دادن یا دستیابی به حقوق حقه‌اش، بازهم کورد است. نمی‌توانیم تنها رقابت ابرقدرت‌ها و درنده‌خویی کشورهای منطقه را بانی همه‌ی هزینه‌هایی بدانیم که ملت کورد در طول تاریخ برای کسب اهدافش متحمل شده‌است، بلکه باید اذعان کنیم که سهم بزرگی از این مشکل، عدم اتحاد و تفاهم خودمان بوده‌است، به خاطر نبود یکپارچگی نتوانسته‌ایم

- نویسنده: البرز روئین تن
- ترجمه: صباح نیکخواه

ناآرامی در خاورمیانه مبحث جدیدی نیست و در صد سال اخیر همواره این منطقه کانون منازعات میان ابرقدرت‌های جهان بوده و هرگاه یکی از این قدرت‌ها با نیرویی در این منطقه مشکلی داشته، ناآرامی‌های موجود مضاعف شده‌اند. اگر ناآرامی‌های ناشی از تنش میان کشورهای منطقه را هم در نظر بگیریم، آنگاه بیشتر درمیابیم که چرا همیشه خونریزی و جنگ در این منطقه بصورت مستمر وجود داشته و دارد؟ بر همین اساس نیز تجزیه‌ی کشورهای منطقه در جنگ جهانی استارت خورد و تا سالهای مدید این تقسیمات ادامه داشت. در این میان مردمان خاورومیانہ قربانیان همیشگی این ناآرامی‌ها بوده‌اند و ملت کورد نیز بیشترین

خواسته‌هایش را نادیده گرفت. گام دوم خوانش صحیح جبهه‌هایی همچون سوریه و آمریکااست، فکر می‌کنم با خوانشی واقعی برای این جبهه‌ها بهتر می‌توان فهمید که کدام جبهه بیشتر می‌تواند در خدمت ملت کورد باشد و بهتر است تا جایی که به نفع کورد باشد با آن جبهه همسو باشیم. در اینجا باید چند واقعیت آشکار را بگوییم: جبهه‌ای که رژیم‌های ایران و اسد در آن باشند، ضمانتی برای حقوق کورد ندارد و اگر همکاری مقطعی با هم داشته باشیم تنها برای اهدافی ویژه خواهد بود، چون وجود ایران به مثابه دشمن اصلی استیفای حقوق کورد در منطقه و نیز تاریخ مملو از سرکوب کوردهای این کشور سند غیرقابل انکاری‌ست برای نبود چنین ضمانتی. از سوی دیگر تسلیح هرکدام از نیروهای کورد توسط امریکا، به معنی حمایت قاطع امریکا از کورد نیست. اینکه کورد اصلی‌ترین و اولین خواست خود را در دریافت سلاح خلاصه کرده اشتباهی‌ست استراتژیک، درحالیکه برای ابرقدرت‌ها خیلی آسان است که به هر نیرویی که برایشان بجنگد کمک نظامی بکنند، اما بعدا و تا چه میزانی آن حمایت لجستیکی به حمایت سیاسی تبدیل خواهد شد، اساسی‌ترین مساله است یا اینکه به خاطر وجود روابط و منافع در کشورهای منطقه باز هم کورد در حاشیه قرار می‌گیرد، چرا که ما تجربه امریکا را در این مورد در خیلی از نقاط دنیا دیده ایم که در ابتدای امر به تسلیح نیروهای مدنظر خود پرداخته ولی بعدا همان یاور را به عنوان دشمنی یاختی قلمداد نموده است. گام سوم تلاش برای ارتباط و توافق پویا با کشورهای مقتدر جهان و حتی منطقه می‌باشد، چرا که این مهم باعث میشود تا بیشتر مورد توجه و حمایت ابرقدرت‌ها قرار گرفته و آنگاه آن از مخالفتی که کورد را به مانند خطری می انگارد، می‌کاهد. برای اثبات این مساله به ذکر یک نمونه می‌پردازم: اگر گفتگوهای صلح در کردستان ترکیه تداوم می‌یافت و سپس صالح مسلم طبق معمول در کنفرانس‌های خبری

آینده چند نکته اساسی را مدنظر قرار داده و در آن راستا گام برداریم. گام اول که آنرا خیلی مهم میدانم اینست که کورد فراتر از ورود و حضور در جبهه‌های موجود، برای ایجاد جبهه منسجم کوردی هم رأی و هم‌صدا شود، آنگاه نقش و عامل کورد بیشتر به چشم خواهد آمد، ما باید اهمیت خود را درک کنیم، باید خودمان به توافق برسیم، صاحب استراتژی ملی خود باشیم، آنوقت به خاطر نیاز دیگران به ما، بهتر میتوانیم به اهدافمان دست یابیم. اصلی‌ترین وظیفه در آن مرحله اینست که همه نیروها به این توافق برسند که نیروی هر بخش از کوردستان در بخش‌های دیگر کوردستان دخالت نکرده و بر خلاف منافع عمومی بخش‌های دیگر اقدام نکنند، در این موقع رسیدن به نقاط مشترک و توافق آسانتر خواهد شد. در چنان شرایطی کورد نیز مانند ترک و شیعه به جبهه‌ای در میان جبهه‌های موجود در منطقه تبدیل خواهد شد و راحت نمی‌توان

نیرویی ایجاد کنیم که ضامن حفظ حقوقمان در سرزمینمان باشد. ولی اکنون بعد از آن همه سال لازم است باز هم معادلات موجود را شناسایی و ارزیابی نموده و متحد شده و همه‌ی توان خود را در راستای تضمین نمودن صد سال آینده بدون قربانی دادن بکار ببریم، باید رهبری سیاسی کورد این مهم را درک کرده و در راستای آن گام بردارد، در غیر این صورت به سوی آینده‌ای مبهم و احتمالا سیاه گام خواهیم نهاد. آنچه‌که بیشتر از هر چیز بر پیچدگی این معادلات می‌افزاید، مشخص نبودن نقش، سهم و جایگاه برخی از نیروهای حاضر در جنبش آزادیخواهانه‌ی کردستان است که همواره بنابر منفعت مقطعی خود عمل کرده و هر لحظه در سویی قرار می‌گیرند و همین امر سبب آن گردیده تا نتوانند استراتژی طولانی مدت ملی خود را ترسیم کنند و منافع ملی را فدای منافع مقطعی خود کرده‌اند. به همین خاطر لازم میدانم که برای ترسیم یک قرن

خود را برگزار می‌کرد، اکنون منطقه پرواز ممنوع کردستان سوریه خیلی راحت‌تر شکل گرفته بود و از مثلث کورد-امریکا-ترکیه برای دستیابی به حداکثر منافع برای کورد، بهره بیشتری می‌بردیم. ولی اکنون بخاطر این سیاست غلط، رهبران HDP در زندانند و همانگونه که "آلتان تان" غایبند این حزب در دیاربکر خیلی صریح به این واقعیت اذعان کرد که حمایت کورد از اردوغان سبب پیروزی رفراندوم در ترکیه شد که این رفراندوم برای اردوغان خیلی بالارزش بود ولی برای کورد هیچ نفعی دربر نداشت. همچنین احتمال شدیدتر شدن جنگ خاغان سوز بین PKK و ترکیه نیز وجود دارد که به عقیده من بمباران شرق و جنوب کوردستان بیشتر خواهد شد و در آنصورت آسیب و خسارات این جنگ به بخش‌های دیگر کوردستان و بویژه کوردستان سوریه نیز خواهد رسید. در چنین شرایطی که ماحصل اشتباه استراتژیک و سیاسی آن آشکار است، باید مانند یک تجربه از آن درس گرفته و دیگر نباید کورد به دریافت اسلحه خوشبین باشد، زیرا مشخص نیست بعد از آزادسازی شهر رقه یا اتفاقی دیپلماتیکی دیگر، چقدر آن حمایت ادامه می یابد؟ اینجاست که برداشت قدمی دیگر توسط کشورهای منطقه برای رسیدن به آرامش و پایداری منطقه اهمیت پیدا میکند ولی برخی از این کشورها به هیچ وجه چنین برنامه‌ای در سر ندارند، آن قدم توافق با کورد و حمایت از حقوق حقه و دمکراتیکش است. در غیر این صورت هرگز آن کشورها به آرامش و امنیت نخواهند رسید و همواره همه انرژی و نیرویی که میتوانند برای پیشرفت کشورشان بکار ببرند، در جنگی خاغان سوز صرف خواهد شد که آن جنگ دامن خودشان را نیز خواهد گرفت و عواقبش تنها دامن کورد را نخواهد گرفت. معتقدم درنظرگرفتن اقدامات مذکور برای احقاق حقوق کورد لازم است و خیلی روشن است که اگر خودمان با تلاش و کوشش در راستای این استراتژی پیشقدم نباشیم، به پیروزیهای موقت و زودگذر یا تبلیغ رسانه‌ای نمیتوانیم آینده‌ای روشن برای کورد بسازیم.

وضعیت اقتصادی ساحی در دست کاندیداها

برای فریب افکار عمومی



کوردستان میدیا: علاوه بر وعده و وعیدهای دروغین کاندیداها برای نمایش انتخابات، سواستفاده از وضعیت نابسامان معیشت مردم، فقر و گرسنگی از دیگر فریبکاری‌های این افراد است. روزنامه کیهان در جدیدترین شماره خود نوشته است، افرادی در شهر و روستاهای محروم ایران، مردم را تهدید کرده‌اند که اگر به روحانی رای ندهند بودجه و پارانه‌شان حذف خواهد شد. از سوی دیگر روزنامه قانون طی گزارشی اعلام کرد: کاندیداها و از میان آن‌ها قالیبیاف به دادن وعده و وعیدهای پوچ و توخالی دست زده‌اند. قالیبیاف اعلام کرده : اگر رئیس جمهور شوم در مدت ۴ سال آینده درآمد کلی کشور را ۲۱۵ برابر خواهم کرد و از کشورهای همچون فرانسه، بریتانیا، کانادا و ژاپن پیش خواهیم افتاد. این سخنان در حالی ایراد شده‌اند که بنابر علم اقتصاد اصلی‌ترین شرط افزایش سطح

درآمد کلی کشوری افزایش میزان سرمایه‌گذاری در آن کشور است. حتی اگر اینگونه تصور کنیم که قالیبیاف می‌تواند اکثر کمپانی‌های بزرگ جهان را نیز برای سرمایه‌گذاری به ایران بکشاند بنابر علم اقتصاد لازم است ۱۵درصد سرمایه‌گذاری افزایش یابد تا توسعه اقتصادی یک رقمی حاصل شود. بنابر آمار بانک جهانی برای سال ۲۰۱۵، درآمد ناخالص نفتی ایران ۵۱۱ میلیارد دلار بوده. حال ۲۱۵ برابر کردن این درآمد به گفته قالیبیاف طی ۴ سال آینده، باید این درآمد را به ۱۲۷۷ میلیارد دلار برساند. بر این اساس آیا می‌شود گفت که قالیبیاف می‌تواند ایران را به چنان سطحی برساند که از کانادا و فرانسه پیشی بگیرد؟ این‌ها تنها چند نمونه کوچک از دروغ و فریب‌کاری کاندیداها ریاست جمهوری رژیم برای فریب افکار عمومی و گرم کردن بازار انتخاباتی می‌باشد غافل از آنکه این نوع تعاملات دیگر جوابگو نیستند.

قاسملو یسم و تحلیلی بر

تاریخ معاصر کورد



● شهرام میرزائی

این مردمان و قوت خودآگاهیشان یافت. در این میان "دکتر عبدالرحمن قاسملو" تنها کسی بود که در اواسط قرن اخیر به این واقعیت پی‌برد و بسیار کوشید تا آنتی‌سیزیفیسم تاریخ ملال‌آور و تلخ کوردستان باشد اما نه شرایط بین‌المللی آن بود که پذیرای چنین ابرنسانی باشد - خدایگان امروزی- و نه جامعه‌ای که در آن می‌زیست توان پذیرش چنین ایده‌ای را داشت. مردی که تمام خصایص یک ابرنسان را دارا بود اما شرایط عینی تمام‌کننده‌اش مهیا نبود. مردی که مثال بارز این شعر شاملوست، "بی‌گاهان، به زمانی که خود در نرسیده بود..." و همین باعث شد تا او نتواند نقطه پایانی بر زندگی سیزیف‌وار کوردها بگذارد. اما میراث فکری-عملی قاسملو چیزی نیست که به سادگی بتوان از آن عبور کرد و گذشت. اگر تاریخ معاصر کوردها را به دو دوره‌ی پیش و پس از قاسملو تقسیم‌بندی کنیم می‌توانیم به نوعی شناخت ابتدایی اما حیاتی از این تاریخ نائل شویم. یکی از محققین تاریخ کورد در سال‌های ۷۰ شمسی سخن معروفی دارد که می‌گوید: به کشورهای متعددی سفر کرده‌ام و با ملت‌های بسیاری از نزدیک آشنا شده‌ام اما هیچ ملتی را ندیده‌ام که مانند کورد دوست داشته باشد میان خود مرزهای متعددی ایجاد کند و از هم دور و دورتر شوند. مرکزگریزی ما کوردها را باید بنابر ژنتیک رفتاری‌مان تحلیل کنیم

امری که حاصل تاریخ اجتماعی-سیاسی هزار ساله‌ی ماست امری که زنده ماندن و بقای ما را برحسب سرنوشتان تامین کرده اما از سوی دیگر این نیروی "گریز از مرکز" نیز گریبان خود ما را گرفته و به بلای جاغان نیز بدل شده است. آنجا که قاسملو طی مصاحبه‌ای با خبرنگاری فرانسوی یکی از کارهای سخت جهان را سازماندهی انسان کورد ذکر می‌کند، که این سخن از سوی رهبری کورد خود گویای این حقیقت است. انکارناپذیر است. فرار از مرکز برای ما کوردها چنان لذتی دارد که حتا آنرا نیز به ریزترین حوزه‌های زندگی‌مان کشانده‌ایم تا به بازتولید مستمر این چرخه‌ی لذت دست‌یابیم حتا اگر برای تفتن هم که شده، تفتنی که عواقب تلخ تاریخی را برای ملتمان به بار آورده است. بی‌شک نداشتن حمایت سیاسی، قرن‌ها مستعمره بودن، سرکوب‌های متمادی قیام‌ها طی صدها سال گذشته، عدم استمرار رهبری بخردانه و قلع و قمع نخبه‌گان که خود موجب تهی شدن جامعه از وجود قشری پخته و باتجربه شد، از جمله مسائل اصلی و اساسی بوده و هست که مانع از شکل‌گیری اسکلتی چارچوب‌مند و متشکل از نخبه‌گان و رهبران آینده‌نگر شده که بتوانند موجب شکل‌گیری نسلی بعد از خود شوند. حقیقتی که در هر دوره، قیام کوردها را با نوعی خلاء فکری-عملی روبرو کرده بود. این نیروی گریز از مرکز که از چرخه‌ی

افکار و اعمال کردها آن پرداخت. "جانانان رندل" در بخشی از کتابش با خشمی اعتراض‌گونه در مورد کوردها می‌نویسد: نمی‌دانم چرا کوردهایی که تنها با یک برنو و یک تکه نان و پیاز، روزها می‌توانند لشکری را زمین‌گیر کنند، تا کنون نتوانسته‌اند بر تاریخ اشغال سرزمین‌شان پایانی بنویسند. تئوری که به مانند نظم برای ما کوردها غریب بود از ارمغان‌های قاسملوو به جنبش آزادیخواهانه بود، دو اصلی که مکمل آن آزادی بود. آنچه‌که ما برای آن می‌جنگیدیم برای خود ما نیز غریب و ناآشنا می‌نمود. به همین خاطر قاسملو برای رفع این پریشانی هویتی و تزریق آگاهی به جامعه‌ی کوردستان با تمام وجود به آزادی باور داشت و همیشه بر این امر تاکید می‌کرد که حاضر است که همه چیز را فدای آن کند، او همیشه این سخن معروف مارکس را تکرار می‌کرد که: شکوفایی و تعالی آزادنه‌ی هر فرد پیش شرط اصلی و اساسی شکوفایی و تعالی جامعه‌ست. بی‌شک این همه تاکید قاسملو بر ارجحیت آزادی از این واقعیت نشات می‌گرفت که تنها در فضایی آزاد که فرد اجازه اندیشیدن را داشته باشد می‌توان آگاهی را به بدنه‌ی جامعه یا هر سازمانی دیگری تزریق کرد در غیر اینصورت پیشبرد هرگونه پروژه‌ی آگاه سازی با شکست روبرو خواهد شد. امری که او طی دوران حیاتش توانست در حزب مطبوع‌اش پایه‌ریزی و مستقر کند تا الگویی باشد برای تمام کوردستان. نبود آموزش پایدار و علمی، از دیگر عواملی بود که کوردها به دلیل نداشتن استقلال سیاسی و مستعمره بودن قرن‌ها از آن محروم بوده و هستند، آنچه‌که ما امروزه به نام آموزش و پرورش در کوردستان می‌بینیم پروسه‌ای‌ست فاشیستی و ضدبشری در راستای آسمیلاسیون کوردها و تزریق آگاهی کاذب و ممانعت از شکل‌گیری خودآگاهی ملی آنان. قاسملو برای این امر هم برنامه داشت او اولین آکادمی سیاسی کوردها را برای زدودن لایه‌های آسمیله شده ذهن انسان کورد در کوه‌های کوردستان تاسیس کرد تا هر مبارز کوردی پیش از بدست‌گرفت اسلحه از استحاله‌ی آسمیلیگ رهایی یابد و با دست یافتن به آگاهی بتواند به مبارزه در راه آزادی گام بردارد. او این امر را ناکافی دید و برای تکمیل پروسه‌ی آموزشی و تزریق هرچه بیشتر آگاهی، به فرستادن جوان‌های مستعد و خلاق به اروپا برای کسب دانش روز و آشنایی با دنیایی که می‌بایست با آن سر و کله بزنند

دست زد. قاسملو به دلیل شناختی که از موقعیت خود، توانایی‌هایش و علم‌اش داشت هیچگاه از حضور مردان بزرگ در کنار خود نهراسید و اتفاقاً بلعکس او برای پیشبرد اهدافش و پایان دادن به تاریخ استعمارزده‌ی ملتش به وجود آن‌ها نیازمند بود و هیچگاه نیز از آگاه سازی و پرورش نسل نو غافل نماند چرا که به آزادی و آگاهی باور داشت. اصلی که حزب او را بعد از ترورش از نابودی نجات داد و سبب روی کار آمدن مردانی همچون دکتر سعید شرف‌کنندی شد. امری که عدم رعایت آن در تاریخ معاصر کوردها در بخش‌های دیگر کوردستان فجایع بزرگی به بار آورد و کوردها را از نخبه‌های بی‌شماری محروم کرد آنهم بدست خود کوردها.

پایان سخن

اگر سوسیالیسم دمکراتیک قاسملو را نقطه ثقل تفکرات او بدانیم و آگاهی بخشی، بنابر احترام به آزادی اندیشه و عمل انسان کورد را جهت دهنده این سیستم فکری بدانیم، با چارچوبی فکری-عملی فشرده و منظمی روبرو می‌شویم که آنرا قاسملو یسم می‌نامم. حال اگر در دنیای فکری امروز صدور هرگونه حکم مطلق از محالات است، با استفاده از پارادوکسی که در خود این اصل نهفته است می‌توانیم یک حکم مطلق صادر کنیم که، اگر می‌خواهیم به شناخت صحیحی از تاریخ معاصر کورد دست یابیم باید به شناخت ریزبینانه و علمی از اندیشه‌های قاسملو دست یابیم در غیر اینصورت دست به هر اقدامی تکرار یک شکست دیگر است. مردی که سیستم فکری‌اش در زمان حیاتش در کوردستان غریب و ناشناخته ماند و اکنون نیز همچنان بخشهایی با آن ناآشنایند. همانگونه که قاسملو در تحلیلی بر "کورته باس" یا همان تئوری "سوسیالیسم دمکراتیک"اش گفته بود: اگر "کورته باس" را یک نفر اروپائی یا حتا ایرانی می‌نوشت بی‌شک ما کوردها چنان از آن سخن می‌گفتیم که به اصول اولیه و اساسی جنبش کوردستان بدل شود اما چون آنرا یک کورد نوشته، پذیرای آن نیستیم و برایمان نیز بسیار عجیب است که یک کورد چنین کاری کند". حال که ۲۸ سال از ترور این متفکر پراکتیک کورد می‌گذرد، می‌بینیم که سوسیالیسم دمکراتیک به اصل اساسی بیشتر احزاب کورد بدل شده امری که باید با شناخت کامل قاسملو و سیستم فکری-عملی‌اش و تطبیق آن با دنیای امروزان و اصل قرار دادن آگاه بخشی، چراغ راه جنبش آزادیخواهی کوردستان شود تا بتوانیم پایانی بر این تاریخ سیزیف‌وار متصور شد.

دانش آموز کرمانشاهی

موفق به کسب مقام اول

مسابقات بین‌المللی نقاشی شد.



کرد،در این مسابقه نقاشی که با موضوع افسردگی در کشور مصر برگزار شد، شاهد حضور تعداد زیادی از دانش آموزان از سراسر دنیا بود. "فرید جعفری" در گروه سنی ۸ تا ۹ سال، این عنوان جهانی را کسب کرد. مدیرکل آموزش و پرورش کرمانشاه در این رابطه به خبرگزاری‌ها گفت: سازمان بهداشت جهانی امسال (۲۰۱۷) برای روز جهانی بهداشت شعار

دانش آموز کرمانشاهی توانست در مسابقات جهانی نقاشی در کشور مصر مقام اول را به دست آورد به گزارش رسیده به آژانس خبررسانی کردپا، "فرید جعفری" دانش آموز پایه دوم ابتدایی دبستان کانون مشاوره شهر کرمانشاه در مسابقات جهانی نقاشی که در کشور مصر برگزار شد، در بین دانش آموزان سراسر جهان عنوان اول را کسب کرد. خبرگزاری "ایسنا" کرمانشاه اعلام

اطلاعات اشنویه یک جوان کُرد را به اتهام "امنیتی" بازداشت کرد



در کردستان بازداشت شده‌اند. در جریان ۲۰۷ موردی که از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند، سرنوشت و محل نگهداری ۹۷ نفر از آنان نامشخص بوده، منزل ۹ تن از آنان نیز در هنگام بازداشت توسط ضابطین قضایی و امنیتی مورد یورش و تفتیش قرار گرفته، وسایل شخصی ۱۵ مورد از آنها توقیف گردیده و ۱۷ تن از آنان در هنگام بازداشت مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته‌اند.

سیاسی" و "اقدام علیه امنیت ملی از طریق همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران" توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت شده است. تا لحظه انتشار این خبر، از سرنوشت این جوان کُرد اطلاعی در دسترس نمی‌باشد. با استناد به آمار ثبت شده در مرکز آمار آژانس خبرسانی کُردپا، از ابتدای سال جاری میلادی تا دهم مه، ۲۰۷ شهروند کُرد به اتهام‌های مختلف توسط نهادهای امنیتی

نیروهای اطلاعاتی در شهرستان اشنویه یک جوان کُرد را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردپا، نیروهای اطلاعاتی در اشنویه بدون مجوز قانونی اقدام به تفتیش منزل این شهروند کُرد کرده و یک جوان کُرد را بازداشت کرده‌اند. هویت این جوان کُرد "فاروق شارویرانی" فرزند احمد اعلام شده است. شنیده‌ها حاکی از آن است که این جوان کُرد به اتهام "فعالیت

درخواست دو نهاد حقوق بشری:

سازمان ملل در ارتباط با سرکوب و

آزار قضایی فعالان کارگری

واکنش نشان دهد



کیامپی، میشل فورست، دیوید کی و عاصمه جهانگیر، گزارشگران ویژه سازمان ملل درباره آزادی گردهمایی و تشکل، وضعیت مدافعان حقوق بشر، ترویج و محافظت از آزادی عقیده و بیان و وضعیت حقوق بشر در ایران و همچنین اعضای گروه تحقیق سازمان ملل درباره حبس‌های خودسرانه نوشته شده است. قابل ذکر است در این گزارش آمده است که، زنان، اقلیت‌های دینی و قومی و مخالفان سیاسی از اشتغال به بعضی از مشاغل محروم هستند.

و حقوق کارگری در ایران" توجه نشان دهند و از دولتمردان ایران بخواهند تا به "سرکوب و آزار قضایی فعالان کارگری پایان دهند و به حقوق کارگری احترام بگذارند". این دو سازمان حقوق بشری همچنین گفتند که شماری از فعالان کارگری در "حبس خودسرانه" به سر می‌برند یا به‌خاطر "استفاده مسالمت‌آمیز از حق آزادی گردهمایی، آزادی تشکل و آزادی بیان در معرض آزار قضایی قرار دارند". این گزارش مشترک خطاب به آنالیز

افزایش روز افزون سرکوب و فشار بر فعالین کارگری و نیز نقض گسترده حقوق اولیه کارگران از سوی نهادهای قانونگذار و قضائی جمهوری اسلامی ایران، نهادهای حقوق بشری را وادار کرده برای طلب یاری به سازمان ملل پناه ببرند. برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، در گزارش مشترکی از کارشناسان ویژه سازمان ملل متحد خواستند، تا آشکارا به "وضعیت نگران کننده فعالان سندیکایی

عفو بین‌الملل: مقامات ایران باید پاسخگوی

یک دهه بی‌عدالتی علیه

محمد صدیق کبودوند باشند



AMNESTY INTERNATIONAL

دهد. مقامات ایران باید به آزار و تعقیب بی وقفه مدافعان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران پایان دهند و تمام زندانیان عقیدتی را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کنند.» محمد صدیق کبودوند، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر، روز جمعه ۲۲ اردیبهشت‌ماه با قرار کفالت از زندان اوین آزاد گشت. مسئولین زندان اوین قبلاً تاریخ آزادی این زندانی سیاسی را ۱۹ اردیبهشت‌ماه اعلام کرده بودند ولی قاضی پرونده به بهانه سه روز غیبت در زمان مرخصی، آزادی ایشان را به ۲۲ اردیبهشت‌ماه موکول کرد. از سویی دیگر، قانون تجمیع جرائم درمورد پرونده این روزنامه‌نگار تاکنون اعمال نشده است. مطابق ماده ۱۳۴ قانون مجازات جدید، در صورت تجمیع جرائم، تنها حکم ده‌ساله حبس آقای کبودوند قابلیت اجرا دارد و حبس شش‌ماهه وی اجرا نخواهد شد، به همین جهت آقای کبودوند با قید کفالت تا تعیین تکلیف این ماده در خصوص وی از زندان آزاد شد. محمد صدیق کبودوند، روزنامه‌نگار، مدیرمسئول هفته‌نامه «پیام مردم» و بنیان‌گذار سازمان غیردولتی

عفو بین‌الملل با صدور بیانیه‌ای نسبت به آزادی دیر هنگام محمدصدیق کبودوند، مدافع حقوق بشر و روزنامه‌نگار، اعتراض کرد. معاون مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقا عفو بین‌الملل در بیانیه منتشر شده از سوی این سازمان گفت: آزادی محمدصدیق کبودوند بعد از یک دهه زندان ناعادلانه بسیار دیر هنگام است. او بر اساس اتهام‌های ساختگی به زندان محکوم شد و عمیقاً تأسف‌بار است که مجبور شد یک دهه از زندگی‌اش را پشت میله‌های زندان سپری کند. پرونده‌ی وی یک بار دیگر نشان می‌دهد تا چه اندازه مقامات ایران حاضرند حقوق مدافعان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران را زیر پا بگذارند و فعالیت‌های مشروع آنها را جرم‌انکاری کنند. ماگدالنا مغربی افزود: «مقامات ایران باید پاسخگوی یک دهه بی‌عدالتی وحشتناک علیه محمدصدیق کبودوند باشند. در قدم اول آنها باید حکم محکومیت او را نقض کرده و اطمینان حاصل کنند که او بتواند به فعالیت‌های حقوق بشری و روزنامه‌نگاری‌اش آزادانه ادامه

عفو بین‌الملل با صدور بیانیه‌ای نسبت به آزادی دیر هنگام محمدصدیق کبودوند، مدافع حقوق بشر و روزنامه‌نگار، اعتراض کرد. معاون مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقا عفو بین‌الملل در بیانیه منتشر شده از سوی این سازمان گفت: آزادی محمدصدیق کبودوند بعد از یک دهه زندان ناعادلانه بسیار دیر هنگام است. او بر اساس اتهام‌های ساختگی به زندان محکوم شد و عمیقاً تأسف‌بار است که مجبور شد یک دهه از زندگی‌اش را پشت میله‌های زندان سپری کند. پرونده‌ی وی یک بار دیگر نشان می‌دهد تا چه اندازه مقامات ایران حاضرند حقوق مدافعان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران را زیر پا بگذارند و فعالیت‌های مشروع آنها را جرم‌انکاری کنند. ماگدالنا مغربی افزود: «مقامات ایران باید پاسخگوی یک دهه بی‌عدالتی وحشتناک علیه محمدصدیق کبودوند باشند. در قدم اول آنها باید حکم محکومیت او را نقض کرده و اطمینان حاصل کنند که او بتواند به فعالیت‌های حقوق بشری و روزنامه‌نگاری‌اش آزادانه ادامه